



Analysis of the Relationship Between the Components of Good Urban Governance and Urban Resilience: A Case Study of Mikaeilabad Neighborhood, Maragheh City

Manijeh Lalehpour¹ ✉, Hadis Bordbar² , Mansour Hemati³

1. (Corresponding Author) Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

Email: m.lalehpour@maragheh.ac.ir

2. Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

Email: hadis.bordbar@tabrizu.ac.ir

3. Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran

Email: hadisbordbar1373@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received:

28 December 2025

Received in revised form:

6 March 2026

Accepted:

30 March 2026

Available online:

12 May 2026

Keywords:

Urban Resilience,
Good Urban Governance,
Informal Settlement,
Mikaeilabad
Neighborhood.

ABSTRACT

Weaknesses in the management structure, insufficient citizen participation, lack of transparency in decision-making, inequitable distribution of services, and declining resilience against urban crises necessitate special attention to the enhancement of good urban governance. This study was conducted with the aim of explaining the relationship between good urban governance components and urban resilience in the Mikaeilabad neighborhood of Maragheh. The research method was applied in nature with a deductive approach and a survey strategy, conducted within a cross-sectional time horizon. The statistical population included all adult residents of the Mikaeilabad neighborhood, and a sample size of 373 individuals was selected through simple random sampling. The data collection instrument was a researcher-developed questionnaire, the validity of which was confirmed through expert opinion and the calculation of the Average Variance Extracted (AVE), while its reliability was established through Cronbach's alpha coefficient and composite reliability. Data analysis was performed using Structural Equation Modeling (SEM). The findings indicated that there is a positive and significant relationship between the components of good urban governance—including transparency, accountability, citizen participation, justice-orientation, rule of law, responsibility, consensus-orientation, and effectiveness—and urban resilience. Justice-orientation was identified as having the highest impact coefficient, while accountability had the lowest impact coefficient on good urban governance. Good urban governance also had a positive and significant effect on urban resilience. Based on the findings, enhancing good governance in the Mikaeilabad neighborhood requires special attention to increasing citizen participation, improving accountability systems, strengthening transparency in urban decision-making, and ensuring the equitable distribution of services.

Citation: Lalehpour, M., Bordbar, H., & Hemati, M. (2026). Analysis of the Relationship Between the Components of Good Urban Governance and Urban Resilience: A Case Study of Mikaeilabad Neighborhood, Maragheh City. *Journal of Urban Planning and Design*, 2 (1), 75-94.

<http://doi.org/10.22034/j94594.2026.552381.1040>



© The Author(s)

Publisher: Iranian Geography and Urban Planning Association.



تبیین رابطه میان مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری مطالعه موردی: محله میکائیل آباد شهر مراغه

منیژه لاله‌پور^۱✉، حدیث بردبار^۲، منصور همتی^۳

۱- نویسنده مسئول، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران. رایانامه: m.lalepour@maragheh.ac.ir

۲- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران. رایانامه: hadis.bordbar@tabrizu.ac.ir

۳- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران. رایانامه: hadisbordbar1373@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ واژگان کلیدی: تاب‌آوری شهری، حکمروایی خوب شهری، سکونتگاه غیررسمی، محله میکائیل آباد.	ضعف در ساختار مدیریتی، کمبود مشارکت شهروندی، نبود شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، توزیع ناعادلانه خدمات و کاهش تاب‌آوری در برابر بحران‌های شهری نیازمند توجه ویژه به ارتقای حکمروایی خوب شهری است. این پژوهش با هدف تبیین رابطه میان مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری در محله میکائیل‌آباد شهر مراغه انجام شد. روش تحقیق از نوع کاربردی با رویکرد قیاسی و استراتژی پیمایشی بود که در افق زمانی مقطعی اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه ساکنان بالغ محله میکائیل‌آباد بود و حجم نمونه ۳۷۳ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن از طریق نظر متخصصان و محاسبه میانگین واریانس استخراج‌شده، و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندی، عدالت‌محوری، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌پذیری و اثربخشی با تاب‌آوری شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. عدالت‌محوری با بالاترین ضریب تأثیر و پاسخگویی با کمترین ضریب تأثیر بر حکمروایی خوب شهری شناسایی شدند. حکمروایی خوب شهری نیز تأثیر مثبت و معناداری بر تاب‌آوری شهری داشت. بر اساس یافته‌ها، ارتقای حکمروایی خوب در محله میکائیل‌آباد نیازمند توجه ویژه به افزایش مشارکت شهروندی، بهبود سیستم‌های پاسخگویی، تقویت شفافیت در تصمیم‌گیری‌های شهری و تضمین توزیع عادلانه خدمات است.
استناد: لاله‌پور، منیژه؛ بردبار، حدیث و همتی، منصور. (۱۴۰۵). تبیین رابطه میان مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری مطالعه موردی: محله میکائیل آباد شهر مراغه. <i>مجله برنامه‌ریزی و طراحی شهری</i>، ۲ (۱)، ۹۴-۷۵. http://doi.org/10.22034/j94594.2026.552381.1040	



مقدمه

امروزه مدیریت شهری در سطح جهان تغییرات اساسی را تجربه کرده است. اهداف اصلی مدیریت شهری شامل ارتقاء رفاه و آسایش ساکنان، موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری، رفع نیازهای جمعیت، بهبود جریان‌ات شهری، تأمین مسکن، تأمین فضاهای عمومی، تقویت اقتصاد، بهبود زیرساخت‌های شهری و غیره می‌باشد (سروشان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۹). برای دستیابی به این اهداف، نهادهای عمومی نیازمند افزایش میزان انعطاف‌پذیری و مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌سازی هستند. حکمروایی خوب شهری نیز به‌عنوان یک روش مطلوب در تحقق اهداف فوق شناخته می‌شود. حکمروایی خوب شهری شامل ویژگی‌هایی نظیر مشارکت، قانون‌مندی، شفافیت، پاسخگویی، عدالت، اثربخشی و کارایی می‌باشد (Corodescu-Roșca et al., 2023: 5)، که از برون دادهای مهم آن می‌توان به افزایش تعاملات کارآمد و مؤثر میان کنشگران بخش عمومی، خصوصی و مدنی با اتخاذ رویکرد مشارکتی اشاره نمود.

با تکیه بر آنچه بیان گردید، می‌توان حکمروایی خوب شهری را فرآیندی دانست که تضمین‌کننده رویکردی به‌هم‌پیوسته بوده و شامل ساختار حکومت و کنشگری اجتماع شهری می‌باشد (Fischer & Ali, 2019: 148). این فرآیند، می‌تواند با اجماع و ترکیب گروه‌های مختلف اجتماع شهری زمینه را برای مشارکت گسترده در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی میان مردم و دولت فراهم نماید (روستایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۵).

به باور پژوهشگران حوزه شهری، امروزه با توجه به روند فزاینده رشد جمعیت و غلبه پدیده شهرنشینی بر شهرسازی، ضرورت بررسی پیوند میان حکمروایی خوب شهری - به‌عنوان یکی از کارآمدترین رویکردهای مدیریت شهری - و مفاهیمی همچون تاب‌آوری شهری بیش‌ازپیش آشکار شده است. گسترش شهرنشینی موجب تغییرات بنیادین در ساختارها و نظام‌های مدیریت شهری شده و سطح انعطاف‌پذیری، پیچیدگی و میزان سازگاری این نظام‌ها را در مواجهه با بحران‌های احتمالی تحت تأثیر قرار داده است (شری‌زاده، ۱۳۹۶). تاب‌آوری شهری به معنای توانایی یک شهر در مقابله با شوک‌ها، حفظ کارکردهای حیاتی و بازگشت به شرایط مطلوب پس از بحران تعریف می‌شود. از این منظر، شهرها یکی از کانون‌های اصلی بروز مخاطرات محیطی به شمار می‌آیند و به همین دلیل، فعالیت‌های شهروندان و اجتماعات شهری نقشی تعیین‌کننده در تغییر ظرفیت محیط‌زیست انسانی و میزان آسیب‌پذیری آن دارند. پایش و تحلیل چنین گزاره‌هایی در راستای کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی و کیفیت زندگی شهری، منجر به ظهور و گسترش رویکردهای متنوعی همچون شهر زیست‌پذیر، شهر هوشمند، شهر فشرده و نوشهرگرایی در چارچوب دستیابی به توسعه پایدار شده است. باین‌حال، تحقق این رویکردها در عرصه شهرسازی و مدیریت شهری بدون توجه به ظرفیت‌های تحمل‌پذیری سیستم شهری - یعنی سطح تاب‌آوری شهر در برابر انواع بحران‌ها و مخاطرات - با موفقیت چندان همراه نخواهد بود.

شهر مراغه به‌عنوان یکی از شهرهای مهم جنوب استان آذربایجان شرقی با چالش‌های متعددی همچون تراکم بالای جمعیت، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، فرسودگی بافت شهری و محدودیت منابع روبه‌رو است. افزون بر این، قرارگیری در پهنه‌ای با خطر بالای زلزله، میزان آسیب‌پذیری شهر را در برابر مخاطرات طبیعی و انسانی افزایش داده است. در این میان، محلاتی که در زمره سکونتگاه‌های غیررسمی قرار دارند - نظیر محله میکائیل‌آباد - با مشکلات جدی‌تری از قبیل دسترسی محدود به خدمات شهری، کیفیت نامطلوب مسکن و کمبود زیرساخت‌های اساسی مواجه هستند. با توجه به چنین شرایطی، تقویت تاب‌آوری شهری در مراغه، به‌ویژه در محله میکائیل‌آباد، با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین مدیریت شهری نظیر حکمروایی خوب شهری ضرورتی اساسی به شمار می‌آید؛ چراکه این امر می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری‌ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان ایفا کند. در همین راستا، بررسی رابطه میان

مفهوم حکمروایی خوب شهری و مؤلفه‌های تاب‌آوری شهری در محلات این شهر به‌ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی آن، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

با توجه به رشد شتابان شهرنشینی و افزایش آسیب‌پذیری شهرها در برابر بحران‌های طبیعی و انسانی، شناخت عوامل مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری محلات شهری اهمیت فزاینده‌ای یافته است. حکمروایی خوب شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی مدیریت شهری، نقش بسزایی در تقویت ظرفیت‌های جوامع محلی برای مواجهه با مخاطرات و بازیابی پس از بحران دارد. محله میکائیل‌آباد در شهر مراغه با توجه به ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود، نمونه مناسبی برای بررسی این رابطه محسوب می‌شود. تحلیل پیوند میان مؤلفه‌های حکمروایی خوب همچون مشارکت، پاسخگویی، شفافیت و عدالت با ابعاد تاب‌آوری شهری، زمینه‌ساز ارائه راهکارهای عملی برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری خواهد بود. این پژوهش ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف حکمروایی محلی، مسیر دستیابی به محلات پایدار و تاب‌آور را هموار می‌سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین ارتباط میان مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری با تاب‌آوری شهری در محله میکائیل‌آباد شهر مراغه (سکونتگاه غیررسمی)، انجام شده است.

به‌منظور شناخت زمینه‌های اصلی، تحلیل چگونگی ارتباط میان عوامل کلیدی، شناخت عوامل تأثیرگذار و نیز آشنایی با مرزهای دانش در مفاهیم موردبحث، پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع آورده شده است: زیاری و کانونی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ساختاری تاب‌آوری اجتماعی در چارچوب حکمروایی شایسته شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: شهر اردبیل)» نشان دادند که عواملی چون تسهیل مداخله شهروندان، افزایش تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد شهری و تشکیل سازمان‌های داوطلب به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آینده تاب‌آوری اجتماعی شهر اردبیل شناسایی شدند. سروشان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر حکمروایی شهری بر تاب‌آوری شهرها در کلان‌شهر تهران» به این نتیجه رسیدند که حکمروایی شهری به‌طور مستقیم بر تاب‌آوری شهری تأثیرگذار است و حدود ۴۲ درصد از واریانس متغیر تاب‌آوری شهری را تبیین می‌کند. محمودنیا و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین نقش حکمروایی خوب بر تاب‌آوری شهری (مطالعه موردی: محله امیریه ناحیه ۲، منطقه ۱۱ تهران)» نشان دادند که مؤلفه‌های قانون‌مندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و شفافیت حکمروایی شهری بیشترین تأثیر را بر تاب‌آوری این محله دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی تاب‌آوری محلات شهری را افزایش دهد. لطفی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش حکمروایی مطلوب شهری در افزایش تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)» به این نتیجه رسیدند که بهبود شاخص‌های حکمروایی مانند مسئولیت‌پذیری، شفافیت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی را افزایش دهد.

در حوزه پژوهش‌های خارجی، ماهاجان (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری شهری از طریق آینده‌های تطبیقی چندگانه و راهکارهای مبتنی بر طبیعت» نشان داد که رویکردهای تطبیقی چندگانه همراه با راهکارهای مبتنی بر طبیعت، ظرفیت شهرها را در مواجهه با بحران‌های آتی تقویت می‌بخشد. اسپوزیتو (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «نردبان تاب‌آوری شهری: چارچوبی تکاملی برای حکمرانی تحول‌آفرین جوامع در مواجهه با بحران‌های مزمن» به این نتیجه رسید که جوامع در مواجهه با بحران‌های مزمن نیازمند رویکردی تکاملی و مشارکتی در حکمرانی شهری هستند و تاب‌آوری باید به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای توسعه یابد. للچنکو و دیرون (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر درگیری مسلحانه بر ایمنی زیست‌محیطی و تاب‌آوری محیط شهری در اوکراین» نشان دادند که درگیری‌های مسلحانه تأثیرات مخربی بر ایمنی زیست‌محیطی و تاب‌آوری شهرها دارد و نیازمند راهبردهای ویژه‌ای برای بازسازی و احیای محیط

شهری است. حسین‌پور و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «کاوش آینده شهری: ارتقای حکمرانی شهری خوب از طریق برنامه‌ریزی سناریو محور در شهر ارومیه، ایران» به این نتیجه رسیدند که استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی سناریو محور در شهر ارومیه، ظرفیت حکمرانی شهری خوب را افزایش داده و امکان پیش‌بینی و آمادگی برای آینده‌های مختلف شهری را فراهم می‌آورد. لیانگ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «چارچوب ارزیابی تاب‌آوری شهری و پویایی‌های فضایی-زمانی در هوپی، چین» نشان دادند که تاب‌آوری شهری در استان هوپی دارای تغییرات فضایی و زمانی قابل‌توجهی است و لزوم توجه به ابعاد چندگانه تاب‌آوری در سیاست‌گذاری‌های شهری ضروری است. موسوی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر حکمرانی شهری بر ارتقای تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی: مطالعه موردی جعفرآباد، کرمانشاه» به این نتیجه رسیدند که همه متغیرهای حکمرانی به‌جز حاکمیت قانون، عدالت و انصاف، همبستگی معناداری با تاب‌آوری نشان دادند و دقت پیش‌بینی متغیرهای حکمرانی انتخاب‌شده ۸۳ درصد بود که نقش حیاتی حکمرانی مؤثر در تقویت تاب‌آوری را برجسته می‌سازد. نصیری هنده خاله و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات حکمرانی شهری خوب در دستیابی به تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر زنجان، ایران» نشان دادند که اجرای اصول حکمرانی خوب شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زنجان، تاب‌آوری این مناطق را به‌طور قابل‌توجهی ارتقا می‌بخشد و بهبود زیرساخت‌ها و خدمات شهری را تسهیل می‌سازد. برون‌تا و همکاران (۲۰۱۹) در کتاب «تاب‌آوری شهری برای حکمرانی ریسک و سازگاری: تئوری و عمل» ارائه‌ای به‌روز از توسعه نظری در حوزه تاب‌آوری شهری ارائه داده و تحلیل سیستماتیک از شیوه‌های موفق در این زمینه را با تمرکز بر قابلیت تکرارپذیری و توسعه مقیاس آن‌ها ارائه می‌دهد.

مبانی نظری

از اواسط دهه ۹۰، شهرها برای مدیریت و اداره خود راهی به‌جز زمینه‌سازی برای توسعه دموکراسی نیافتند، در این راه به شکل تازه‌ای از حاکمیت دست پیدا کردند که برخی آن را در حد ابداع جدید بشری در ایجاد نظام اجتماعی نوین دانسته‌اند. این شکل جدید به نام جنبش حاکمیت شایسته یا حکمروایی خوب شهری نامیده شد. حکمروایی خوب شهری اصطلاح پیچیده‌ای است که به شکلی غیرمستقیم تمایل دارد ما را از دیدگاه اصلی و متمرکز حکومت، به‌سوی سیاست‌گذاری مشارکتی مبتنی بر شبکه سوق دهد (Duggal, 2020: 19) و در این راستا در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ‌کننده و پاسدار قوانین محدود کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی روزمره مردم بکاهد، در چنین شرایطی شهروندان و سایر ذینفعان نه‌تنها شرکت‌کننده فردی نخواهند بود، بلکه به‌صورت سازمان‌یافته نقش مؤثرتری در بهبود مدیریت عمومی جوامع ایفا خواهند نمود (Mohammad Abdou, 2021: 5).

در حالت کلی می‌توان اذعان نمود که حکمروایی شهری فرایندی پیچیده است که در آن، نهادهای رسمی شهری با مشارکت فعال شهروندان و بخش خصوصی، برای بهبود زندگی شهری تلاش می‌کنند. این تعاملات چندجانبه، منجر به ایجاد توافقی می‌شود که منافع همه طرف‌ها را تأمین کند. در واقع، حکمروایی خوب شهری به معنای آن است که تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت شهری، با مشارکت فعال همه ذینفعان و بر اساس اصول عدالت، شفافیت و پاسخگویی و غیره انجام شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱۵). به اعتقاد طیف وسیعی از صاحب‌نظران این حوزه، منشأ قدرت و مشروعیت در حکمروایی شهری، نه‌تنها در دست نهادهای رسمی، بلکه در مشارکت فعال همه شهروندان و تقویت جامعه مدنی

است. در این رویکرد، شهروندان به‌عنوان بازیگران اصلی در اداره امور شهر شناخته می‌شوند. بر اساس منشور برنامه اسکان بشر ملل متحد، حکمروایی خوب شهری دارای ویژگی‌هایی مانند مشارکت، پایداری، برابری، کارایی، شفافیت، پاسخگویی، امنیت، فعالیت‌های مدنی و شهروندی است. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که حکمروایی خوب شهری فراتر از مدیریت شهری است و به دنبال ایجاد شهری پایدار، عادلانه و مشارکتی است (Solnit, 2020: 5).

جدول ۲. معیارها و شاخص‌های حکمروایی خوب شهری

بعد	معیار	تعریف	منبع
شفافیت	شفافیت	شفافیت، به معنای گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن‌ها، شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات، نظرخواهی از مردم نسبت به طرح‌ها، مصمم بودن به اجرای تصمیمات گرفته‌شده و مشخص بودن فرایند تأیید و تصویب سیاست‌ها است.	(حسینی، ۱۳۹۵: ۴۳)
		قانونمندی به معنای ایجاد چهارچوبی قانونی و مشروع برای ساختار، ترویج لزوم رعایت آن برای همه، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد.	(نظری و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۹)
عدالت‌محوری	عدالت‌محوری	عدالت شامل، ایجاد فرصت‌های برابر برای شهروندان، تلاش برای تخصیص و توزیع عادلانه منابع و مشارکت اقشاری که در اعلام نظر و تصمیم‌گیری نقشی ندارند، توجه به منافع جمعی، فراهم شدن حقوق شهروندی و عدالت جنسیتی می‌باشد.	(خاتم و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵)
		مسئولیت‌پذیری به این معناست که مدیران، نهادها و شهروندان در برابر تصمیم‌ها، اقدامات و پیامدهای رفتاری خود نسبت به جامعه شهری پاسخگو باشند و تعهد عملی برای رعایت حقوق، منافع عمومی و توسعه پایدار شهر داشته باشند.	(میری و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۰)
اثربخشی	اثربخشی	اثربخشی به معنای دائمی بودن فعالیت‌های مدیریت شهری و رضایتمندی شهروندان از اقدامات آن‌ها می‌باشد. درنهایت فرایندها و نهادها نتایجی را به بار می‌آورند که نیازهای جامعه را تأمین کرده و از منابع در اختیار خود به بهترین وجه استفاده نمایند.	(طالبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۳)
		منظور از مشارکت، قدرت تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری‌ها و سهمی شدن شهروندان در قدرت می‌باشد. فرایندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری‌های شهری سهمی می‌شوند. همچنین نظارت شهروندان بر تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد بستری برای فعالیت مردم، تفویض اختیار به مردم، تسهیل مداخله شهروندان در روند توسعه محله از جمله حلقه‌های مهم این فرایند است.	(ارزانی بیرگانی و کهرزادی سیف‌آباد، ۱۴۰۰: ۱۰۵)
پاسخگویی	پاسخگویی	پاسخگویی به معنای جواب‌گو بودن تصمیم‌گیران در برابر تصمیماتشان و پذیرفتن مسئولیت شهروندان و احترام به خودمختاری‌ها و تساوی حقوق بین شهروندان می‌باشد.	(برک پور و اسدی، ۱۴۰۲)
		همه شهروندان باید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسط نهادهای قانونی منافعشان در نظر گرفته شود و همه گروه‌ها و شهروندان برای رسیدن به یک توافق گسترده برای اینکه چه چیزی بهترین است، در نظر گرفته شوند.	(باقرزاده حور و وجدانی درستکار، ۱۳۹۹)

سینگ و همکاران اشاره دارند که در سال ۱۹۸۲ داگلاس و وایدولسکی تاب‌آوری را به‌عنوان ظرفیت تغییر برای تطبیق با ناشناخته‌ها تعریف کرده و دانش در ۲۰۰۳ آن را با رفتار اضطرابی بداهه و تطبیقی مرتبط دانست، درحالی‌که وایدولسکی در ۱۹۸۸ تاب‌آوری را ظرفیت تطبیق با خطرات غیرمنتظره پس از وقوع سوانح توصیف کرد (Singh et al, 2024:21). بر اساس نظر هولینگ، تاب‌آوری دارای پایه‌های منظم است که با منابع زیست‌شناسی، محیط‌زیست، مطالعات تجاری، مهندسی، روان‌شناسی و تئوری پایداری محیطی تعامل داشته و در برابر سیستم‌های جذب اختلالات عمل می‌نماید. ژانگ و همکاران معتقدند که طرح تاب‌آوری به‌عنوان چارچوبی برای بهبود عملیات عادی پس از اختلالات شهری عمل کرده و برای مسائل فوری شهرها و عدم تعادل اطلاعات کیفی در مقابل کمی استفاده می‌شود (Zhang et al, 2024:20). دینگ و همکاران تاب‌آوری شهری را ظرفیت افراد، جوامع، مؤسسات، کسب‌وکارها و

نظام‌ها برای بقا، سازگاری و رشد در برابر فشارهای مزمن و تکانه‌های حاد تعریف کرده است (Ding et al, 2024:54). شمس‌الدین و همکاران به مطالعه میانگین اشاره دارند که پنج نوع سرمایه شامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی، انسانی و طبیعی را برای ارزیابی اجتماعات تاب‌آور پیشنهاد کرده و بیان دارند که علی‌رغم توجه خاص به تاب‌آوری در ایران و جهان، تعداد محدودی قانون سیستماتیک درباره تاب‌آوری شهری ارائه شده است (Shamsuddin et al, 2024:47). درحالی‌که داتولا و همکاران تاب‌آوری را به‌عنوان دگرگونی، توانایی فرد یا جامعه در تغییر و تحول مثبت پس از مواجهه با بحران‌ها تعریف کرده و بیان دارند که تجربه دشواری‌ها می‌تواند به فرصتی برای یادگیری و رشد تبدیل شود (Datola, et al, 2023:62).

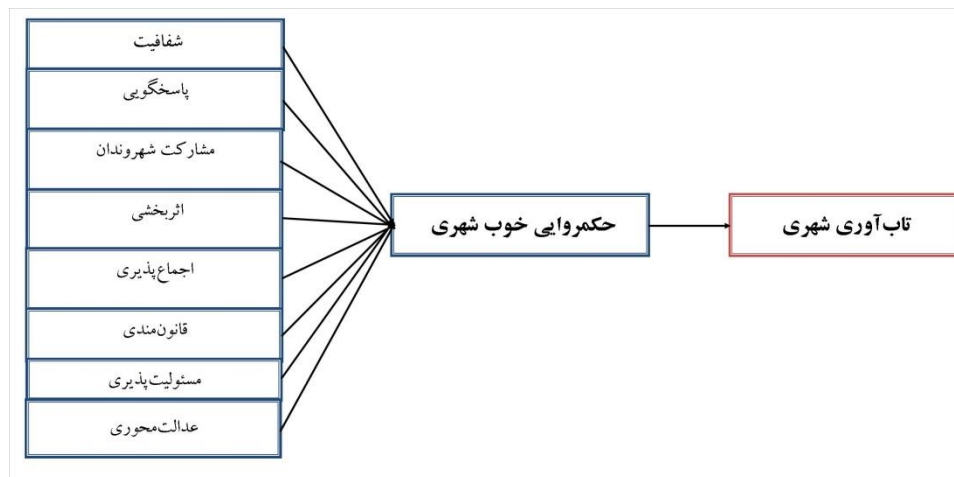
سکونتگاه‌های غیررسمی مکان‌هایی می‌باشند که خارج از طرح کاربری اراضی و بدون مجوز ساخته شده و از ضوابط استاندارد ساختمان عدول کرده‌اند (Abunyawah et al, 2018: 239). شاخص‌ها یا چارچوب‌های سازمان‌یافته برای کمی‌سازی تاب‌آوری سوانح ایجاد نشده است؛ با این وجود، در جامعه علمی اجماعی است مبنی بر اینکه تاب‌آوری در شهرها به توانایی سیستم شهری و تمام شبکه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و فنی تشکیل‌دهنده آن در مقیاس‌های زمانی و مکانی برای بازگشت به سرعت سیستم موردنظر در برابر اختلال و انطباق با تغییر بر اساس ظرفیت‌های اخیر و آینده اشاره می‌نماید (Meerow et al, 2016: 39).

سکونتگاه‌های غیررسمی از لحاظ تاب‌آوری در جنبه‌های مختلف، وضعیت متناقضی دارند. همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی زیاد، از ویژگی‌های محیط‌های تاب‌آور می‌باشد که در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری میزان آن، بالا است (Yue et al, 2023: 159)، اما تاب‌آوری کالبدی به علت شکنندگی بالای این سکونتگاه‌ها در مقابل شرایط و ظرفیت محدود مقابله با تغییرات، بسیار پایین می‌باشد. افزون بر بعد کالبدی در این سکونتگاه‌ها وجود قشر آسیب‌پذیر و عدم وجود ارگان‌هایی برای کمک در زمان بحران منجر به کاهش تاب‌آوری این سکونتگاه‌های گردیده است. در واقع وجود نواحی بزرگ غیررسمی علاوه بر خود نواحی، فشار بزرگی بر سراسر شهر وارد می‌نماید (Seeliger & Turok, 2019: 187).

در این زمینه، حکمروایی خوب شهری می‌تواند نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در ارتقای تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی ایفا کند. سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل نداشتن زیرساخت‌های رسمی، ضعف در مدیریت بحران و حضور جمعیت‌های آسیب‌پذیر، به شدت در برابر شوک‌ها و تغییرات شهری آسیب‌پذیر هستند. سیاست‌های حکمرانی که بر شفافیت در تصمیم‌گیری، مشارکت فعال شهروندان، پاسخگویی نهادها و عدالت در ارائه خدمات شهری تأکید دارند، می‌توانند به افزایش توان محله‌ها در مقابله با بحران‌ها کمک کنند. به‌عنوان مثال، دسترسی منصفانه به خدمات شهری مانند آب، برق، فاضلاب و حمل‌ونقل، و نیز تضمین حضور ساکنان در برنامه‌ریزی محلی، نه تنها تاب‌آوری کالبدی را بهبود می‌بخشد، بلکه تاب‌آوری اجتماعی و نهادی را نیز تقویت می‌کند. به این ترتیب، حکمروایی خوب می‌تواند شکاف میان ضعف‌های ساختاری و ظرفیت‌های اجتماعی محله را کاهش دهد و امکان پاسخگویی سریع و مؤثر در مواقع بحران را فراهم آورد.

علاوه بر این، حکمرانی خوب شهری می‌تواند با ایجاد سازوکارهای حمایتی، مدیریت ریسک و ارتقای سرمایه اجتماعی، ظرفیت تطبیق و بازسازی سکونتگاه‌ها را افزایش دهد. فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی باعث می‌شوند که نیازها و اولویت‌های واقعی ساکنان در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شود و برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای بیشتر با شرایط محله هماهنگ گردند. همچنین، ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی و تقویت توانایی‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان، تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌ها را ارتقا می‌دهد و فشارهای ناشی از شوک‌های شهری و بلایای طبیعی را کاهش

می‌دهد. در نتیجه، حکمرانی خوب شهری نه تنها بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را تضمین می‌کند، بلکه تاب‌آوری شهری را در سطح محله و کل شهر تقویت می‌کند و مسیر پایداری و توسعه متوازن شهری را هموار می‌سازد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

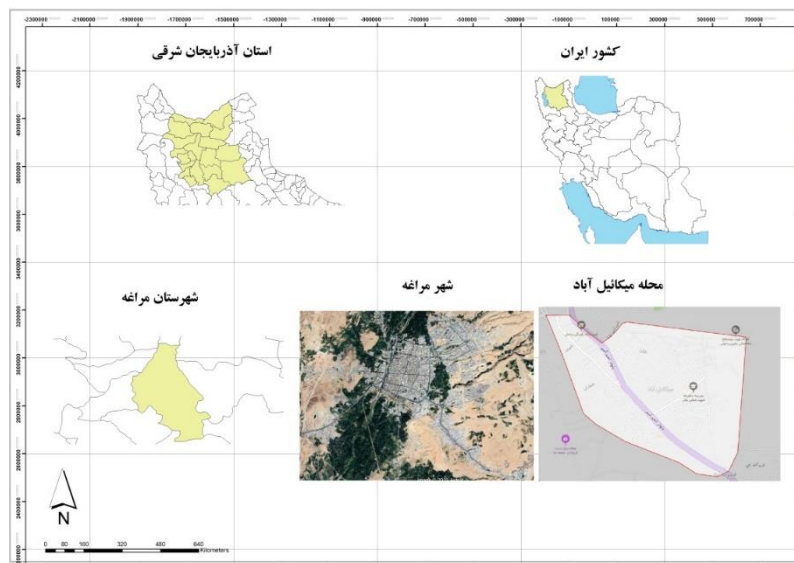
هدف این پژوهش تبیین رابطه میان مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری در محله میکائیل‌آباد شهر مراغه بود. از منظر هدف، این تحقیق در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد زیرا یافته‌های آن قابلیت استفاده مستقیم در برنامه‌ریزی‌های شهری و سیاست‌گذاری‌های محلی را دارد. فلسفه تحقیق بر پارادایم اثبات‌گرایی استوار بود که بر اساس آن رابطه بین متغیرها از طریق داده‌های قابل اندازه‌گیری و روش‌های کمی مورد آزمون قرار گرفت. رویکرد پژوهش قیاسی بود که در آن بر اساس ادبیات نظری و مطالعات پیشین، فرضیه‌هایی درباره رابطه بین مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری تدوین شد و سپس این فرضیه‌ها در بستر واقعیت محله میکائیل‌آباد مورد آزمون تجربی قرار گرفتند. استراتژی تحقیق پیمایشی بود که امکان جمع‌آوری داده‌های کمی از جامعه آماری گسترده را فراهم ساخت و در سال ۱۴۰۴ پژوهش حاضر انجام شده است، دلیل انتخاب این روش‌ها، ماهیت کمی متغیرهای پژوهش و نیاز به سنجش دقیق روابط علی بین مؤلفه‌های متعدد حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری بود که روش‌های کمی امکان تحلیل آماری پیشرفته و آزمون هم‌زمان چندین فرضیه را فراهم می‌آوردند.

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق پرسشنامه محقق ساخته انجام شد که شامل سؤالاتی برای سنجش مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندی، عدالت‌محوری، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌پذیری و اثربخشی، و همچنین سنجش تاب‌آوری شهری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان بالغ محله میکائیل‌آباد شهر مراغه تشکیل دادند و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین شد که در نهایت ۳۷۳ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نوع نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده صورت گرفت تا نمایندگی کافی از جامعه فراهم شود و تمامی ساکنان واجد شرایط شانس برابر برای شرکت در پژوهش را داشته باشند. مشخصات جمعیت شناختی نمونه آماری نشان داد که از میان پاسخگویان، مردان با حدود ۵۸ درصد و زنان با حدود ۴۲ درصد حضور داشتند و از نظر سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ سال و ۳۶ تا ۴۵ سال بود که نشان‌دهنده حضور

قابل توجه جمعیت جوان و میان سال در نمونه است. توزیع سطح تحصیلات نشان داد که بیشترین درصد پاسخگویان دارای مدرک زیر دیپلم و دیپلم بودند و تعداد کمتری دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، و از لحاظ وضعیت تأهل، اکثریت پاسخگویان متأهل بودند. همچنین توزیع مدت زمان سکونت نشان داد که تنوع قابل توجهی در سابقه حضور ساکنان در محله وجود داشت، به طوری که بخشی از ساکنان سابقه سکونت کمتر از پنج سال و بخشی بیش از ۲۵ سال در این محله را داشتند که این تنوع امکان بررسی دیدگاه‌های متفاوت را فراهم ساخت. برای اطمینان از روایی پژوهش، پرسشنامه ابتدا در اختیار متخصصان و اساتید حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری قرار گرفت تا روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گیرد، و سپس روایی همگرا از طریق محاسبه میانگین واریانس استخراج شده تأیید شد که تمامی مقادیر بالاتر از آستانه مطلوب قرار داشتند. پایایی پژوهش نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج نشان داد تمامی سازه‌ها از ثبات درونی مناسبی برخوردارند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های نمونه و آمار استنباطی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری بود که این روش امکان آزمون همزمان روابط پیچیده بین متغیرهای مکنون و مشاهده شده را فراهم ساخت و ضرایب مسیر، بارهای عاملی، و معناداری روابط بین مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری با کمک نرم‌افزار Smartpls 4 محاسبه و تحلیل گردید.

محدوده مورد مطالعه

شهر مراغه بعد از تبریز دومین شهر بزرگ استان آذربایجان شرقی می‌باشد. این شهر با تبریز که مرکز استان آذربایجان شرقی است حدود ۱۲۰ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت شهر مراغه معادل ۱۷۵۲۵۵ نفر می‌باشد (مبارکی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷). منطقه مورد مطالعه در شمال غربی ایران به مرکزیت شهر مراغه در موقع ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی بر دامنه جنوبی سه‌پند واقع شده است. محدوده آن از غرب به دریاچه ارومیه و از شرق به دشت هشتروند و از جنوب به جلگه میاندوآب منتهی می‌شود. مساحت این شهر بالغ بر ۲۰ کیلومترمربع است که بزرگ‌ترین شهر استان آذربایجان شرقی پس از کلان‌شهر تبریز است. آب‌وهوای آن معتدل و در فصول مختلف سال بین ۲۰ درجه سانتی‌گراد زیر صفر تا ۳۵ درجه سانتی‌گراد بالای صفر متغیر است. میزان متوسط بارندگی آن ۳۰۰ میلی‌متر در سال است. محله میکائیل‌آباد یکی از محلات سکونتگاه غیررسمی شهر مراغه است که در فاصله ۱/۵ کیلومتری از کمربندی مراغه واقع شده و یکی از مناطق مهاجرپذیر شهر مراغه می‌باشد. محله مذکور توسط جاده هشتروند و خط آهن تهران مراغه به سه قسمت تقسیم شده است: قسمت شمال شرقی جاده هشتروند؛ قسمت بین جاده و راه آهن که بخش اصلی محله میکائیل‌آباد تشکیل می‌دهد و حدود ۱۶ هکتار وسعت دارد و قسمت غرب خط راه آهن با وسعت یک هکتار که فاقد هرگونه تأسیسات اجتماعی است. این محله با توجه به ناحیه‌بندی شهر مراغه در طرح جامع در ناحیه ۴ و با توجه به محله‌بندی محله‌های (۳-۴) و (۴-۴) را شامل می‌شود. ناحیه ۴، ۱۲،۷۴ درصد از مساحت کل شهر را به خود اختصاص داده است. محله میکائیل‌آباد با ۱۲۷۹۸ نفر جمعیت و با مساحت ۱۲۹،۷ هکتار در داخل محدوده شهر و در قسمت جنوب شرقی شهر واقع شده است (مهندسان مشاور زیستا، جلد اول، ۱۳۹۴: ۱۵).



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که از میان ۳۷۳ نفر شرکت‌کننده در تحقیق، ۵۷/۶ درصد (۲۱۵ نفر) را مردان و ۴۲/۴ درصد (۱۵۸ نفر) را زنان تشکیل دادند که بیانگر حضور بیشتر مردان در نمونه آماری است. از نظر سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال با ۲۶/۳ درصد (۹۸ نفر) و گروه ۳۶ تا ۴۵ سال با ۲۶ درصد (۹۷ نفر) بود، درحالی‌که کمترین فراوانی متعلق به گروه سنی زیر ۲۵ سال با ۱۴/۷ درصد (۵۵ نفر) بود و گروه‌های سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و بالاتر از ۵۵ سال به ترتیب ۱۶/۶ درصد (۶۲ نفر) و ۱۶/۴ درصد (۶۱ نفر) از نمونه را شامل شدند. توزیع سطح تحصیلات نشان داد که بیشترین درصد پاسخگویان دارای مدرک زیر دیپلم با ۳۵/۹ درصد (۱۳۴ نفر) و دیپلم با ۲۸/۴ درصد (۱۰۶ نفر) بودند، درحالی‌که دارندگان مدرک فوق‌دیپلم ۱۵/۱ درصد (۵۶ نفر)، کارشناسی ۱۵/۸ درصد (۵۹ نفر) و کارشناسی ارشد و بالاتر تنها ۴/۸ درصد (۱۸ نفر) از نمونه را تشکیل دادند. از لحاظ وضعیت تأهل، ۵۵/۸ درصد (۲۰۸ نفر) از پاسخگویان متأهل و ۴۴/۲ درصد (۱۶۵ نفر) مجرد بودند. همچنین توزیع مدت‌زمان سکونت در محدوده مورد مطالعه نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به افراد با سابقه سکونت کمتر از ۵ سال با ۲۴/۹ درصد (۹۳ نفر) و ۵ تا ۱۰ سال با ۲۲/۳ درصد (۸۳ نفر) بود، درحالی‌که افرادی با سابقه سکونت ۱۱ تا ۱۵ سال ۱۴/۷ درصد (۵۵ نفر)، ۱۶ تا ۲۰ سال ۱۲/۹ درصد (۴۸ نفر)، ۲۱ تا ۲۵ سال ۱۳/۹ درصد (۵۲ نفر) و بالاتر از ۲۵ سال ۱۱/۳ درصد (۴۲ نفر) از نمونه آماری را شامل شدند که این امر نشان‌دهنده تنوع قابل توجه در سابقه حضور ساکنان در منطقه است.

بررسی توزیع نمونه‌های آماری و تعیین نرمال یا غیر نرمال بودن نمونه‌های آماری

با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، p-value برای تمامی متغیرها برابر با ۰/۰۰۰ است که کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها برای تمامی متغیرها نرمال نیست. اطلاعات مذکور بیانگر این است که برای تحلیل و بررسی رابطه بین متغیرها می‌بایست از روش‌های آماری غیر پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده گردد.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای ابعاد حکمروایی خوب شهری

متغیر	N	میانگین	انحراف معیار	آزمون K-S (Test Statistic)	p-value (Sig.)
شفافیت	۳۷۳	۲/۳۱۳۲	۰/۵۲۸۱۹	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰
پاسخگویی	۳۷۳	۲/۳۱۰۵	۰/۵۳۲۲۳	۰/۴۴۴	۰/۰۰۰
مشارکت شهروندان	۳۷۳	۲/۳۱۰۵	۰/۵۲۷۲۵	۰/۴۴۳	۰/۰۰۰
اثربخشی	۳۷۳	۲/۳۲۶۳	۰/۵۴۷۳۳	۰/۴۳۸	۰/۰۰۰
اجماع‌پذیری	۳۷۳	۲/۳۲۱۱	۰/۵۴۵۶۳	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰
قانون‌مندی	۳۷۳	۲/۳۲۱۱	۰/۵۴۰۷۷	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	۳۷۳	۲/۳۳۴۲	۰/۵۴۰۰۹	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰
عدالت‌محوری	۳۷۳	۲/۳۲۸۹	۰/۵۳۸۴۵	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰

اندازه‌گیری کفایت حجم نمونه

متغیرهایی برای تحلیل الگو مناسب‌ترند که در سطح سنجش فاصله‌ای باشند، لکن در برخی موارد از متغیرهای رتبه‌ای و اسمی نیز استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که پژوهشگر می‌تواند هر تعداد متغیر مرتبط با مسئله تحقیق را در تحلیل وارد کند. مشروط بر آنکه متغیرها با روش درستی سنجیده شده باشند و ضریب اعتبار سنجش متغیرها در حد قابل قبولی باشد. در مورد اندازه حجم نمونه نیز به‌طور کلی در معادلات ساختاری انبوهی از داده‌ها به کار برده می‌شود. حداقل حجم نمونه نباید کمتر از ۵۰ باشد. هرچه حجم اندازه نمونه زیادتر شود، صحت و دقت تحلیل الگو بیشتر است. به عنوان یک قاعده کلی تعداد نمونه باید در حدود ۴ یا ۵ برابر تعداد متغیرهای مورد استفاده باشد. این نسبت تا حدودی محافظه کارانه است. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای معادلات ساختاری مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد می‌توان با احتیاط بیشتر به معادلات ساختاری پرداخت. اما در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل الگو مناسب خواهد بود. خروجی این آزمون در جدول ۳ قابل مشاهده است.

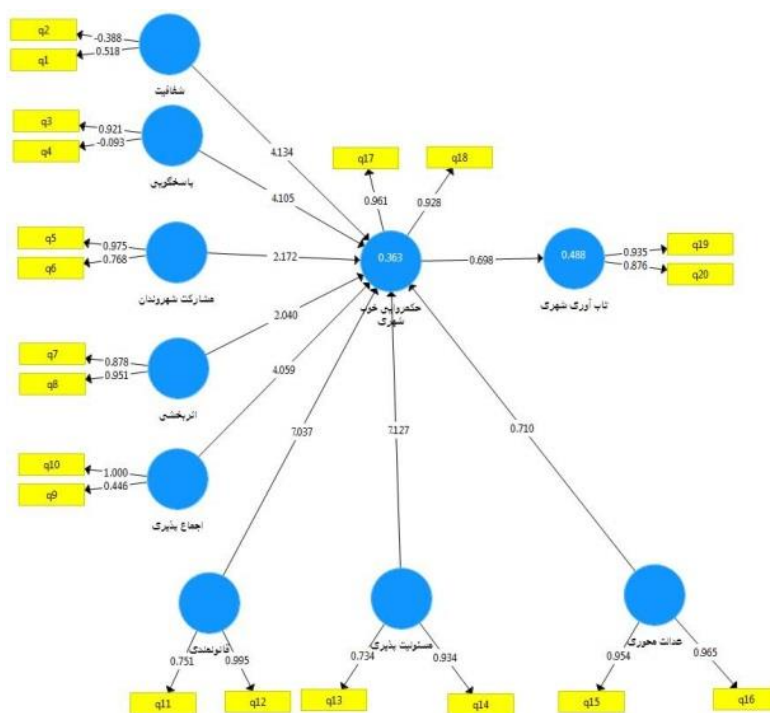
جدول ۳. اندازه‌گیری کفایت نمونه

آزمون	آماره
کایسر - میر - اولکین (KMO)	اندازه‌گیری کفایت نمونه ۰/۸۴۶
آزمون کرویت بارتل	تقریب کای دو ۱۴۱۴۳,۴۴۶۳
	درجه آزادی ۳۷۲
	معناداری ۰,۰۰۰

ارزیابی و برازش مدل

منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد. لذا در این قسمت به ارزیابی برازش مدل مفروض پژوهش پرداخته می‌شود تا از سازگاری آن با داده‌های پژوهش اطمینان حاصل گردد و در نهایت پاسخ سؤالات پژوهش استنتاج گردد. بررسی برازش مدل مفهومی پژوهش در دو مرحله صورت پذیرفته است. نخست ارزیابی برازش بخش اندازه‌گیری مدل و ارزیابی برازش بخش ساختاری مدل، که در ادامه به تفصیل در مورد آن‌ها بحث شده است. الف- بررسی پایایی شاخص‌ها: این بررسی از سه طریق ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی صورت گرفت. ضرایب بارهای عاملی: بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود. اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است.

تمامی ضرایب بارهای عاملی شاخص‌ها (سؤال‌ها) در این مدل از ۰/۴، بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد طبق شکل زیر، چهار متغیر مکنون برون‌زا شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندی و انسجام‌بخشی قرار دارند که همگی بر متغیر مکنون درون‌زای مرکزی یعنی حکمرانی خوب تأثیرگذار هستند. ضرایب مسیر نشان می‌دهد که مشارکت شهروندی با ضریب ۰/۱۳۴ قوی‌ترین تأثیر را بر حکمرانی خوب دارد، به دنبال آن پاسخگویی با ضریب ۰/۱۰۵، انسجام‌بخشی با ضریب ۰/۰۵۹ و شفافیت با ضریب ۰/۰۴۰ قرار دارند. این یافته نشان می‌دهد که برای تقویت حکمرانی خوب، اولویت دادن به افزایش مشارکت شهروندان اهمیت بیشتری دارد. حکمرانی خوب نیز بر متغیر درون‌زای ثانویه یعنی ثبات اثربخشی شهری با ضریب مسیر ۰/۶۲۸ تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد. همچنین، حکمرانی خوب از طریق چهار متغیر مشاهده‌شده شامل دموکراسی، مشارکت‌پذیری، عدالت محوری و ضد فساد سنجیده می‌شود که بارهای عاملی آن‌ها به ترتیب ۰/۷۹۵، ۰/۷۳۴، ۰/۹۵۴ و ۰/۹۶۵ است. بالا بودن بارهای عاملی عدالت محوری و ضد فساد نشان می‌دهد که این دو شاخص نماینده‌های قوی‌تری برای سنجش حکمرانی خوب هستند. متغیرهای برون‌زا نیز از طریق سؤالات یا شاخص‌های مختلفی اندازه‌گیری شده‌اند که بارهای عاملی آن‌ها روی نمودار مشخص است. برای مثال، شفافیت از طریق سؤالات q1 و q2 با بارهای عاملی ۰/۳۸۹ و ۰/۵۱۸، پاسخگویی از طریق q3 و q4 با بارهای ۰/۹۲۱ و ۰/۰۹۳، مشارکت شهروندی از طریق q5 و q6 با بارهای ۰/۹۷۵ و ۰/۷۶۸، انسجام‌بخشی از طریق q7 و q8 با بارهای ۰/۸۷۸ و ۰/۹۰۱، و اجتماع بخشی از طریق q9 و q10 با بارهای ۰/۴۴۶ و ۱/۰۰۰ سنجیده شده است. توجه به تفاوت در بارهای عاملی سؤالات مختلف حائز اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد برخی سؤالات نماینده بهتری برای سنجش متغیر مربوطه هستند. ثبات اثربخشی شهری نیز از طریق سؤالات q19 و q20 با بارهای عاملی ۰/۹۳۵ و ۰/۸۷۶ اندازه‌گیری شده است. مقادیر R-squared روی متغیرهای وابسته نشان‌دهنده میزان واریانس تبیین شده توسط متغیرهای پیش‌بین است که برای حکمرانی خوب ۰/۳۶۳ و برای ثبات اثربخشی شهری ۰/۴۸۸ گزارش شده است (شکل ۳).



شکل ۳. مدل بار عاملی

آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول، تمامی متغیرهای تحقیق از روایی و پایایی مناسبی برخوردار هستند. ضرایب آلفای کرونباخ برای کلیه سازه‌ها بالاتر از آستانه ۰/۷ قرار گرفته و در دامنه‌ای بین ۰/۷۱۳ برای مسئولیت‌پذیری تا ۰/۹۱۴ برای عدالت‌محوری متغیر بوده است که نشان‌دهنده ثبات درونی و همسانی مطلوب گویه‌های هر یک از سازه‌ها است. ضرایب پایایی ترکیبی نیز برای همه متغیرها فراتر از حد مطلوب ۰/۷ بوده و از ۰/۷۱۰ برای شفافیت تا ۰/۹۵۹ برای عدالت‌محوری در نوسان است که بیانگر قابلیت اطمینان بالای ابزار اندازه‌گیری در سنجش سازه‌های موردنظر است. همچنین مقادیر روایی همگرا برای تمام متغیرها بالاتر از معیار ۰/۵ محاسبه‌شده و بین ۰/۷۰۲ برای شفافیت تا ۰/۹۲۰ برای عدالت‌محوری قرار دارد که این امر حاکی از آن است که شاخص‌های هر سازه به‌اندازه کافی با یکدیگر همبستگی داشته و واریانس مشترک قابل‌قبولی را تبیین نمایند. درمجموع، شواهد تجربی حاصل از این آزمون‌ها اعتبار و قابلیت اتکای مدل اندازه‌گیری را تحقیق را تأیید نموده و زمینه را برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل مدل ساختاری فراهم ساخته است.

جدول ۴. روایی همگرا، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ شاخص‌های تحقیق

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (Cr>0.7)	روایی همگرا (AVE>0.5)
اثربخشی	۰/۸۱۴	۰/۹۱۱	۰/۸۳۷
اجماع‌پذیری	۰/۷۳۸	۰/۷۲۳	۰/۷۹۹
تاب‌آوری شهری	۰/۷۸۶	۰/۹۰۱	۰/۸۲۱
حکمروایی خوب شهری	۰/۸۸۱	۰/۹۴۳	۰/۸۹۲
شفافیت	۰/۷۴۰	۰/۷۱۰	۰/۷۰۲
عدالت‌محوری	۰/۹۱۴	۰/۹۵۹	۰/۹۲۰
قانونمندی	۰/۸۰۸	۰/۸۷۲	۰/۷۷۷
مسئولیت‌پذیری	۰/۷۱۳	۰/۸۲۵	۰/۷۰۵
مشارکت شهروندان	۰/۷۵۶	۰/۸۶۹	۰/۷۷۰
پاسخگویی	۰/۷۶۳	۰/۷۷۵	۰/۷۳۹

ضرایب معناداری رابطه میان سازه‌های پژوهش

نتایج آزمون معناداری روابط ساختاری نشان داد که تمامی مسیرهای مفروض در مدل پژوهش از لحاظ آماری معنادار بوده و در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شدند. بر این اساس، اثربخشی با ضریب t برابر ۷/۸۸۵ و مقدار p کمتر از ۰/۰۰۱، تأثیر مثبت و معناداری بر حکمروایی خوب شهری دارد. اجماع‌پذیری نیز با آماره t معادل ۲/۰۳۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار حکمروایی خوب شهری شناسایی شد. رابطه بین حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری با بالاترین مقدار آماره t برابر ۱۳/۴۰۲ قوی‌ترین رابطه معنادار را در مدل نشان داد که اهمیت محوری این مسیر را برجسته ساخت. شفافیت با ضریب t برابر ۴/۳۵۰، عدالت‌محوری با مقدار t معادل ۹/۸۲۸، قانونمندی با آماره t برابر ۴/۶۳۳، مسئولیت‌پذیری با ضریب t معادل ۴/۹۹۶، مشارکت شهروندان با مقدار t برابر ۴/۹۵۳ و پاسخگویی با آماره t معادل ۲/۱۰۶، همگی تأثیرات مثبت و معناداری بر حکمروایی خوب شهری اعمال نمودند. کمترین مقدار انحراف معیار مربوط به متغیر اثربخشی با ۰/۰۴۵ و بیشترین آن متعلق به شفافیت با ۰/۰۹۹ بود.

که بیانگر پایداری و دقت برآوردهای پارامتری در مدل است. در مجموع، کلیه فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار میان متغیرهای پیش‌بین و متغیرهای ملاک مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۵. ضرایب معناداری رابطه میان سازه‌های پژوهش

P Values	T Statistics (O/STDEV)	Standard Deviation (STDEV)	روابط بین متغیرها
۰/۰۰۰	۷/۸۸۵	۰/۰۴۵	اثربخشی < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۲/۰۳۲	۰/۰۵۷	اجماع‌پذیری < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۱۳/۴۰۲	۰/۰۵۲	حکمروایی خوب شهری < تاب‌آوری شهری
۰/۰۰۰	۴/۳۵۰	۰/۰۹۹	شفافیت < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۹/۸۲۸	۰/۰۷۲	عدالت محوری < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۴/۶۳۳	۰/۰۵۸	قانونمندی < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۴/۹۹۶	۰/۰۶۴	مسئولیت‌پذیری < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۴/۹۵۳	۰/۰۸۸	مشارکت شهروندان < حکمروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۲/۱۰۶	۰/۰۹۵	پاسخگویی < حکمروایی خوب شهری

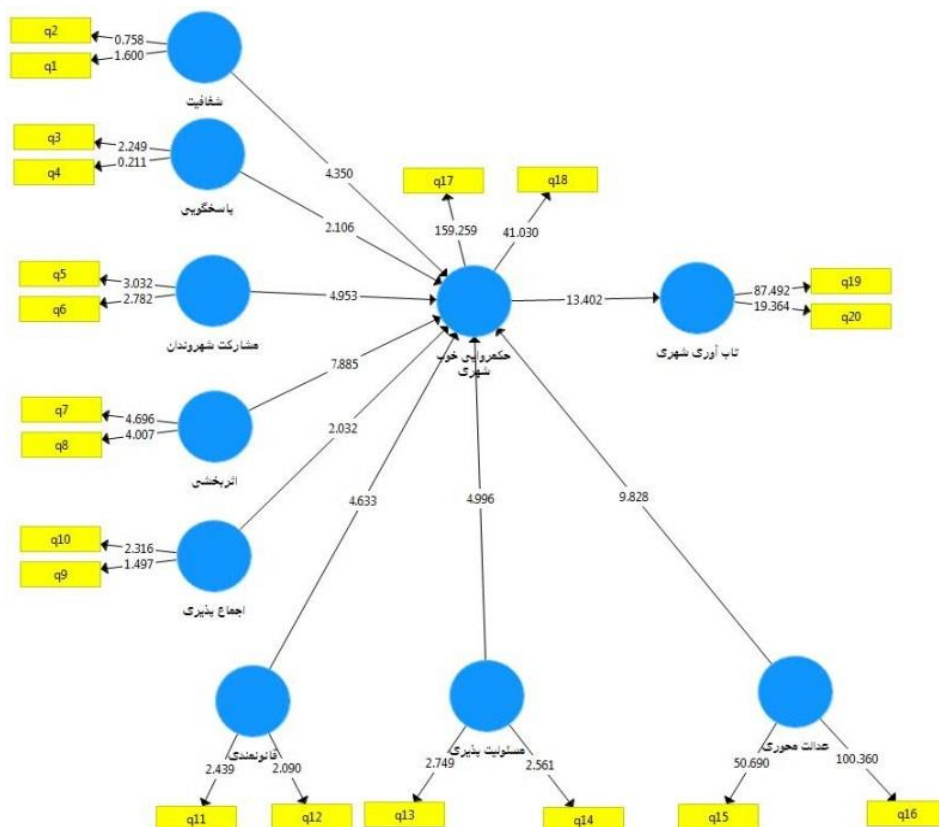
مقادیر ضریب مسیر، آماره تی، عوامل مستقل و وابسته

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از تأیید کلیه روابط علی مفروض بین متغیرهای مستقل و وابسته در چارچوب مدل ساختاری است. نتایج نشان داد که اثربخشی به‌عنوان متغیر مستقل با آماره t برابر ۷/۸۸۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، تأثیر قابل‌توجهی بر حکمروایی خوب شهری به‌عنوان متغیر وابسته دارد و فرضیه مربوطه مورد تأیید قرار گرفت. اجماع‌پذیری نیز با ضریب t معادل ۲/۰۳۲ و مقدار p کمتر از ۰/۰۰۱، رابطه معناداری با حکمروایی خوب شهری نشان داد. حکمروایی خوب شهری در نقش متغیر مستقل، با بالاترین آماره t برابر ۱۳/۴۰۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، تأثیر بسیار قوی و معناداری بر تاب‌آوری شهری به‌عنوان متغیر وابسته اعمال نمود که این یافته اهمیت کلیدی حکمروایی در ارتقای تاب‌آوری را آشکار ساخت. شفافیت با آماره t برابر ۴/۳۵۰، عدالت‌محوری با ضریب t معادل ۹/۸۲۸ که بیانگر قوی‌ترین تأثیر میان ابعاد حکمروایی است، قانونمندی با مقدار t برابر ۴/۶۳۳، مسئولیت‌پذیری با آماره t معادل ۴/۹۹۶، مشارکت شهروندان با ضریب t برابر ۴/۹۵۳ و پاسخگویی با آماره t معادل ۲/۱۰۶، همگی به‌عنوان متغیرهای مستقل، تأثیرات مثبت و معناداری بر حکمروایی خوب شهری به‌عنوان متغیر وابسته داشتند و فرضیه‌های مرتبط با آن‌ها تأیید شدند. تمامی روابط با سطح معناداری ۰/۰۰۰ از استحکام آماری بالایی برخوردار بوده و شواهد تجربی قوی برای پذیرش فرضیه‌های پژوهش فراهم آوردند.

جدول ۸. مقادیر ضریب مسیر، آماره تی، عوامل مستقل و وابسته

نتیجه	P Values	T Statistics (O/STDEV)	عامل وابسته	عامل مستقل	روابط بین متغیرها
تأیید	۰/۰۰۰	۷/۸۸۵	حکمروایی خوب شهری	اثربخشی	اثربخشی < حکمروایی خوب شهری
تأیید	۰/۰۰۰	۲/۰۳۲	حکمروایی خوب شهری	اجماع‌پذیری	اجماع‌پذیری < حکمروایی خوب شهری
تأیید	۰/۰۰۰	۱۳/۴۰۲	تاب‌آوری شهری	حکمروایی خوب شهری	حکمروایی خوب شهری < تاب‌آوری شهری
تأیید	۰/۰۰۰	۴/۳۵۰	حکمروایی خوب شهری	شفافیت	شفافیت < حکمروایی خوب شهری
تأیید	۰/۰۰۰	۹/۸۲۸	حکمروایی خوب شهری	عدالت محوری	عدالت محوری < حکمروایی خوب شهری

قانونمندی - حکمروایی خوب شهری	قانونمندی	حکمروایی خوب شهری	شهری	۴/۶۳۳	۰/۰۰۰	تأیید
مسئولیت‌پذیری - حکمروایی خوب شهری	مسئولیت‌پذیری	حکمروایی خوب شهری	شهری	۴/۹۹۶	۰/۰۰۰	تأیید
مشارکت شهروندان - حکمروایی خوب شهری	مشارکت شهروندان	حکمروایی خوب شهری	شهری	۴/۹۵۳	۰/۰۰۰	تأیید
پاسخگویی - حکمروایی خوب شهری	پاسخگویی	حکمروایی خوب شهری	شهری	۲/۱۰۶	۰/۰۰۰	تأیید



شکل ۴. ضرایب معناداری متغیرهای هر سازه (آماره تی)

بحث

مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات پیشین حاکی از همسویی و تطابق قابل توجه نتایج در خصوص نقش حکمروایی خوب شهری در ارتقای تاب‌آوری شهری است. نتایج تحقیق حاضر که نشان داد حکمروایی خوب شهری با آماره t برابر $۱۳/۴۰۲$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ تأثیر بسیار قوی و معناداری بر تاب‌آوری شهری دارد، با یافته‌های سروشان و همکاران (۱۴۰۱) در کلان‌شهر تهران که حکمروایی شهری را به‌عنوان عامل مستقیم و تأثیرگذار بر تاب‌آوری معرفی نموده و ۴۲ درصد از واریانس آن را تبیین نمودند، همخوانی دارد و از این منظر شواهد تجربی مشابهی را در بافت‌های شهری مختلف ایران ارائه دادند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر معنادار ابعاد حکمروایی شامل قانونمندی، مشارکت شهروندان، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و شفافیت بر حکمروایی خوب شهری، با نتایج محمودنیا و همکاران (۱۴۰۰) در محله امیریه تهران که همین مؤلفه‌ها را به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل بر تاب‌آوری محله‌ای

شناسایی نمودند، تشابه چشمگیری دارد و این امر بیانگر اهمیت فراگیر این ابعاد در سطوح مختلف تحلیل شهری است. تحقیق لطفی و همکاران (۱۳۹۷) در کلان‌شهر تبریز نیز بر نقش محوری مسئولیت‌پذیری، شفافیت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در افزایش تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید نموده که با تأیید تأثیر معنادار این ابعاد در مدل ساختاری پژوهش حاضر، شواهد تکمیلی بر قابلیت تصمیم‌پذیری این روابط فراهم آورد. علاوه بر این، یافته‌های زیاری و کانونی (۱۴۰۱) در شهر اردبیل که بر اهمیت تسهیل مداخله شهروندان و افزایش سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان عوامل کلیدی تاب‌آوری اجتماعی تأکید دارند، با تأیید نقش معنادار مشارکت شهروندان در مدل پژوهش حاضر هماهنگ است و بر ضرورت توسعه مکانیزم‌های مشارکتی در حکمروایی شهری دلالت دارد. نکته قابل توجه آنکه درحالی‌که مطالعات پیشین عمدتاً به تحلیل توصیفی یا بررسی روابط ساده میان متغیرها پرداخته‌اند، پژوهش حاضر با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و آزمون هم‌زمان کلیه روابط، چارچوبی جامع‌تر و دقیق‌تر از نحوه تأثیرگذاری ابعاد مختلف حکمروایی بر تاب‌آوری ارائه داده است.

مقایسه پژوهش حاضر با مطالعات پیشین داخلی و خارجی از منظر موضوع شناسی، روش‌شناسی، بنیادی و نتیجه‌گیری، نشان‌دهنده هم‌راستایی عمده در تأیید نقش کلیدی حکمروایی خوب شهری در ارتقای تاب‌آوری شهری است، هرچند تفاوت‌های جزئی در رویکردها و تأکیدات نظری قابل‌شناسایی است. از منظر موضوع شناسی، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل ساختاری رابطه بین ابعاد حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری، با مطالعات اسپوزیتو (۲۰۲۵) که بر حکمرانی تحول‌آفرین و مکانیسم‌های تطبیقی تأکید دارد، نصیری هنده‌خاله و همکاران (۲۰۲۳) در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی زنجان، و مایر و آوریاکومب (۲۰۱۹) در رویکرد آفریقامحور به توسعه پایدار، اشتراک موضوعی دارد، اما تفاوت اساسی در آن است که پژوهش حاضر به جای تمرکز بر یک بعد خاص تاب‌آوری یا بافت خاص شهری، به تحلیل جامع و یکپارچه کلیه ابعاد حکمروایی شامل اثربخشی، اجماع‌پذیری، شفافیت، عدالت‌محوری، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت شهروندان و پاسخگویی پرداخته است. از لحاظ روش‌شناسی، پژوهش حاضر با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و آزمون هم‌زمان کلیه روابط علی بین متغیرها، رویکردی کمی و پیشرفته‌تری نسبت به برخی مطالعات پیشین اتخاذ نموده که این امر امکان تعیین دقیق شدت و جهت تأثیرات را فراهم ساخته است، درحالی‌که مطالعاتی چون آبانوا و همکاران (۲۰۱۸) بیشتر بر تحلیل کیفی ارتباط میان سکونتگاه‌های غیررسمی و تاب‌آوری تمرکز داشته و ترین و همکاران (۲۰۲۱) به شناسایی چارچوب و استراتژی‌های تاب‌آوری پرداخته‌اند. شولها (۲۰۲۵) در مطالعه خود در اوکراین بر تحلیل مبانی قانونی و سازمانی تاب‌آوری متمرکز بوده که با رویکرد کمی پژوهش حاضر متفاوت است، هرچند هر دو بر اهمیت چارچوب نهادی تأکید دارند. تبائیان (۲۰۲۰) نیز با رویکرد ارزیابی سطح تاب‌آوری اجتماعی در برابر زلزله در شهر زنجان، بر بعد خاصی از تاب‌آوری متمرکز شده که نسبت به رویکرد جامع‌تر پژوهش حاضر محدودتر است.

از منظر بنیادی و چارچوب نظری، پژوهش حاضر با شناسایی عدالت‌محوری به عنوان قوی‌ترین بعد تأثیرگذار بر حکمروایی خوب شهری (با آماره t برابر ۹/۸۲۸)، بر اهمیت توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها تأکید ورزیده که این تأکید در مطالعات پیشین به‌ویژه مطالعات خارجی کمتر برجسته بوده و بیشتر بر ابعادی چون مشارکت، شفافیت و پاسخگویی متمرکز شده‌اند. این یافته با رویکرد مایر و آوریاکومب (۲۰۱۹) که بر ضرورت در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی در اعمال اصول حکمروایی تأکید دارند، هم‌خوانی دارد و نشان‌دهنده اهمیت زمینه‌گرایی در تحلیل حکمروایی شهری است. باکسیلر و همکاران (۲۰۲۰) بر حاکمیت مشارکتی و شبکه‌ای و زیرساخت‌های اجتماعی تأکید نموده‌اند که با یافته پژوهش حاضر مبنی بر نقش معنادار مشارکت شهروندان همسو است، اما پژوهش حاضر با تأیید نقش معنادار هشت بعد مختلف حکمروایی، چارچوب جامع‌تری ارائه داده است. ترین و همکاران (۲۰۲۱) چارچوب تاب‌آوری را شامل

سلامتی، اقتصاد، زیربنا و رهبری معرفی نموده‌اند که این ابعاد با رویکرد پژوهش حاضر که بر ابعاد حکمروایی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری تمرکز دارد، متفاوت است و این تفاوت بیانگر تنوع رویکردهای مفهومی در ادبیات تاب‌آوری شهری است.

نتیجه‌گیری

از نظر نتیجه‌گیری، یافته پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر بسیار قوی حکمروایی خوب شهری بر تاب‌آوری شهری با نتایج اسپوزیتو (۲۰۲۵) که حکمرانی تحول‌آفرین را به‌عنوان عامل افزایش توانایی جوامع در مقابله با بحران‌های مزمن شناسایی نموده، و نصیری هنده‌خاله و همکاران (۲۰۲۳) که بهبود شرایط زندگی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی را حاصل اجرای اصول حکمروایی دانسته‌اند، هم‌راستا است. تبائیان (۲۰۲۰) نقاط ضعف تاب‌آوری اجتماعی زنجان را شناسایی و بر ضرورت بهبود ساختارهای حکمرانی محلی تأکید نموده که این یافته با نتایج پژوهش حاضر در خصوص نقش محوری ابعاد حکمروایی سازگار است. آبانو و همکاران (۲۰۱۸) بر تأثیر برنامه‌ریزی و کاربری اراضی بر ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید نموده‌اند که این امر با یافته پژوهش حاضر در خصوص نقش قانونمندی و اثربخشی در حکمروایی خوب شهری قابل ارتباط است. شولها (۲۰۲۵) نیاز به بازنگری چارچوب قانونی و هماهنگی نهادی را برای تاب‌آوری ضروری دانسته که با تأکید پژوهش حاضر بر نقش قانونمندی و مسئولیت‌پذیری همخوانی دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری شهری در محله میکائیل‌آباد شهر مراغه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری حاکی از آن بود که حکمروایی خوب شهری تأثیر قابل‌توجه و معناداری بر ارتقای تاب‌آوری در این محله دارد. تحلیل مؤلفه‌های حکمروایی نشان داد که عدالت‌محوری و ضد فساد، قوی‌ترین شاخص‌های سنجش حکمروایی خوب شهری هستند. در بین عوامل تأثیرگذار بر حکمروایی خوب، عدالت‌محوری بیشترین تأثیر را داشت و پس‌از آن به ترتیب اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت شهروندان، قانونمندی، شفافیت، اجماع‌پذیری و پاسخگویی قرار گرفتند. ارزیابی پایایی و روایی نشان داد که تمامی سازه‌های پژوهش از اعتبار لازم برخوردارند و ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا همگی بالاتر از آستانه‌های مطلوب قرار داشتند که این امر قابلیت اطمینان و اعتبار ابزار اندازه‌گیری پژوهش را تأیید نمود. و ارتقای حکمروایی خوب در محله میکائیل‌آباد نیازمند توجه ویژه به مشارکت شهروندی، بهبود سیستم‌های پاسخگویی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌های شهری است.

با این حال، پژوهش با محدودیت‌هایی نظیر محدود بودن حوزه مطالعاتی به یک محله خاص، عدم امکان تعمیم‌پذیری کامل نتایج به سایر محلات شهری با بافت‌های متفاوت، و وابستگی به داده‌های خود گزارشی پاسخگویان مواجه بود. همچنین استفاده از روش مقطعی در گردآوری اطلاعات، امکان بررسی تغییرات زمانی و روندهای بلندمدت را محدود ساخت.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که مدیریت شهری مراغه نسبت به تأسیس شوراهای محله‌ای مشارکتی در میکائیل‌آباد اقدام نماید تا ساکنان بتوانند به‌صورت مستقیم در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند و این امر زمینه را برای تقویت مشارکت شهروندی که یکی از مؤلفه‌های کلیدی حکمروایی خوب شناسایی شد، فراهم خواهد آورد. همچنین ایجاد سامانه‌های الکترونیکی شفاف برای انتشار اطلاعات مربوط به بودجه‌بندی، پروژه‌های عمرانی و خدمات شهری در محله، ضروری است تا شهروندان بتوانند به‌راحتی به اطلاعات دسترسی یابند و نظارت مؤثری بر عملکرد

مدیران داشته باشند. در راستای تقویت عدالت‌محوری که بالاترین تأثیر را بر حکمروایی خوب داشت، توزیع عادلانه خدمات و امکانات شهری در سطح محله با اولویت‌بندی مناطق محروم‌تر، باید در دستور کار قرار گیرد. علاوه بر این، برگزاری دوره‌های آموزشی برای ساکنان محله در زمینه حقوق شهروندی، مشارکت مدنی و آشنایی با مکانیسم‌های حکمروایی خوب، توانمندسازی شهروندان را در جهت مطالبه‌گری و نظارت بر عملکرد مدیریت شهری تسهیل خواهد نمود. تشکیل کمیته‌های تخصصی ضد فساد و نظارتی با حضور نمایندگان مردمی نیز ضرورت دارد تا شفافیت مالی و اداری در مدیریت محله تضمین گردد و اعتماد عمومی نسبت به نهادهای حکمروایی افزایش یابد. درنهایت، استقرار مراکز خدمات یکپارچه شهری در محله که امکان دسترسی آسان به خدمات مختلف و ارائه پاسخگویی سریع به مطالبات شهروندان را فراهم سازد، گامی مؤثر در ارتقای کیفیت حکمروایی و در نتیجه تقویت تاب‌آوری شهری خواهد بود.

حامی مالی

این اثر حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش

نویسندگان در تمامی مراحل و بخش‌های انجام پژوهش سهم برابر داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمام کسانی که در مراحل مختلف تحقیق، تحلیل، تدوین و نگارش ما را یاری کردند، تقدیر و سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ارزانی بیرگانی، مهرناز و کهزادی سیف‌آباد، عمران. (۱۴۰۰). تحلیل ارزیابانه چالش‌های رویه‌ای مدیریت شهری با رویکرد تحلیل محتوا گرانهم و لاندمن (مورد پژوهی: کلان‌شهر اهواز). *گفت‌وگو/طراحی شهری*، ۲(۲)، ۸۵-۱۰۵.
- باقرزاده حور، لیلا و وجدانی درستکار، نازنین. (۱۳۹۹). بررسی تجارب جهانی پیرامون مقابله با پدیده تفرق سیاسی در مناطق کلان‌شهری. *کنفرانس بین‌المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران*.
- برک پور، ناصر و اسدی، ایرج. (۱۴۰۲). مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- حسینی، سید هادی. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران؛ مطالعه موردی: شهر تربت‌حیدریه. *مطالعات شهری*، ۵(۲۰)، ۴۳-۵۲.
- حسینی، علی، رمضان پور، حامد و آشوری، حسن. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص‌های حکمروایی شهری و تأثیر آن بر کیفیت مکان مطالعه موردی شهر آذرشهر. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۸(۱)، ۸۱۳-۸۳۱.
- خاتم، سعید؛ احمدی، سید عباس و خاتم، مهناز. (۱۴۰۱). بررسی وضعیت حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی*، ۷(۲)، ۱-۲۴. <https://doi.org/10.22067/pg.2021.69157.1027>
- روستایی، شهرپور؛ قربانی، رسول و بردبار، حسن. (۱۴۰۳). آینده‌پژوهی حکمروایی شهری در دوران پسا کرونا نمونه مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز. *پژوهش‌های جغرافیایی اقتصادی*، ۴(۱۴)، ۵۳-۳۲.
- زیاری، کرمت اله و کانونی، رضا. (۱۴۰۱). تحلیل ساختاری تاب‌آوری اجتماعی در چارچوب حکمروایی شایسته شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: شهر اردبیل). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۵(۳)، ۵۹-۹۱.

- سروش‌شان، غلامرضا؛ هندیانی، عبدالله؛ زیویار، پروانه و توکلان، علی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حکمروایی شهری بر تاب‌آوری شهرها مورد مطالعه شهر تهران. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۲ (۱)، ۱۳۷-۱۴۳. <https://doi.org/10.52547/jgs.22.67.413>
- ری‌زاده، علی. (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی مؤلفه‌های تأثیرگذار در برنامه‌ریزی مسکن اقشار کم‌درآمد شهری مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی.
- طالبی، محمدعلی؛ رهنمایی، محمد تقی و قربانی‌نژاد، ریاض. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی موانع تحقق حکمروایی خوب شهری در شهرهای میانی مطالعه موردی: شهر نیشابور. *مجله شهر پایدار*، ۳ (۴)، ۵۷-۴۳. <https://doi.org/10.22034/jsc.2021.251270.1326>
- لطفی، حیدر؛ مفرح، مجتبی؛ آفتاب، احمد و مجنونی، علی. (۱۳۹۷). نقش حکمروایی مطلوب شهری در افزایش تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز). *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۸ (۳۰)، ۲۲۴-۲۰۹.
- محمودنیا، علیرضا؛ زبیری، یوسفعلی و سرور، رحیم. (۱۴۰۰). تبیین نقش حکمروایی خوب بر تاب‌آوری شهری (مطالعه موردی: محله امیریه ناحیه ۲، منطقه ۱۱ تهران). *مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۲ (۳)، ۱۵۷-۱۴۱.
- میری، غلامرضا؛ ابراهیمی، افسانه و فاطمی، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیلی بر حکمروایی خوب شهری و منطقه‌ای بر درآمد پایدار گردشگری (نمونه موردی: شهر بیرجند). *جغرافیا و آینده‌پژوهی منطقه‌ای*، ۱ (۱)، ۸۱-۶۷. <https://doi.org/10.30466/grfs.2023.121359>
- مهندسان مشاور زیستا. (۱۳۹۴). طرح تفصیلی شهر مراغه (جلد اول). <https://zista.ir>
- نظری، محمد؛ اعتمادی، کیانا و قاضی میرسعید، سید مجتبی. (۱۴۰۳). ارزیابی سیستم مدیریت شهری شهر سمنان با رویکرد حکمروایی خوب شهری. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۱۱ (۲)، ۱۱۲-۸۹. <https://doi.org/10.30473/psp.2024.69352.2699>

References

- Abunywah, M., Gajendran, T., & Maund, K. (2018). Profiling informal settlements for disaster risks. *Procedia Engineering*, 212(100), 238-245. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2018.01.031>
- Arazani Birgani, M., & Kohzadi Seifabad, O. (2021). Evaluative analysis of procedural challenges in urban management using Graneheim and Lundman content analysis (Case study: Ahvaz metropolis). *Urban Design Discourse*, 2(2), 85-105. [in Persian]
- Bagherzadeh Hour, L., & Vojdani Dorostkar, N. (2020). Review of global experiences in dealing with political fragmentation in metropolitan areas. *International Conference of Elite Civil Engineering, Architecture and Urban Planning*, Shahid Beheshti University, Tehran. [in Persian]
- Berkpour, N., & Asadi, I. (2023). *Urban management and governance*. University of Art Press. [in Persian]
- Brunetta, G., Caldarice, O., Tollin, N., Rosas-Casals, M., & Morató, J. (Eds.). (2019). *Urban resilience for risk and adaptation governance: Theory and practice*. Springer.
- Corodescu-Roșca, E., Hamdouch, A., & Iașu, C. (2023). Innovation in urban governance and economic resilience: The case of two Romanian regional metropolises: Timișoara and Cluj Napoca. *Cities*, 132(17), 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.104090>
- Datola, G. (2023). Implementing urban resilience in urban planning: A comprehensive framework for urban resilience evaluation. *Sustainable Cities and Society*, 98, Article 104821. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.104821>
- Ding, X., & Hu, Y. (2024). Review on the impact of urban resilience on urban green total productivity. *International Journal of Global Environmental Issues*, 3(2), 33-39. <https://doi.org/10.62051/ijgem.v3n2.33>
- Duggal, R. (2020). Mumbai's struggles with public health crises from plague to COVID-19. *Economic and Political Weekly*, 55(21), 17-20. <https://www.epw.in/journal/2020/21/commentary/mumbais-struggles-public-health-crises.html>
- Esposito, D. (2025). A ladder of urban resilience: An evolutionary framework for transformative governance of communities facing chronic crises. *Sustainability*, 17(13), Article 6010. <https://doi.org/10.3390/su17136010>

- Fischer, H. W., & Ali, S. S. (2019). Reshaping the public domain: Decentralization, the Mahatma Gandhi National Rural Employment Guarantee Act (MGNREGA), and trajectories of local democracy in rural India. *World Development*, 120(32), 147-158. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.09.013>
- Hosseini, A., Ramazanpour, H., & Ashouri, H. (2020). Analysis of urban governance indicators and their impact on place quality; Case study: Azarshahr. *Urban Planning Geography Research*, 8(1), 813-831. [in Persian]
- Hosseini, S. H. (2016). Analysis of good urban governance indicators with emphasis on the views of citizens and managers; Case study: Torbat-e Heydarieh. *Urban Studies*, 5(20), 43-52. [in Persian]
- Hosseinpour, M., Kalantari, M., & Ghalehtemouri, K. J. (2025). Exploring urban future: Enhancing good urban governance through scenario planning in Urmia city, Iran. *City and Built Environment*, 3, Article 18.
- Khatam, S., Ahmadi, S. A., & Khatam, M. (2022). Investigating the status of good urban governance in Tehran metropolis. *Political Geography Research*, 7(2), 1-24. <https://doi.org/10.22067/pg.2021.69157.1027> [in Persian]
- Lelechenko, N., & Derun, T. (2025). Impact of the armed conflict on environmental safety and resilience of the urban environment in Ukraine. *Aestimum*, 86. <https://doi.org/10.36253/aestim-16857>
- Liang, Y., Cheng, Y., Ren, F., & Du, Q. (2024). Urban resilience assessment framework and spatiotemporal dynamics in Hubei, China. *Scientific Reports*, 14, Article 31391.
- Lotfi, H., Mofareh, M., Aftab, A., & Majnoni, A. (2018). The role of good urban governance in increasing the resilience of informal settlements in Iran (Case study: Tabriz metropolis). *Geography (Regional Planning)*, 8(30), 209-224. [in Persian]
- Mahajan, S. (2025). Urban resilience through adaptive multifutures and nature-based solutions. *npj Urban Sustainability*, 5, Article 29.
- Mahmoudnia, A., Ziari, Y., & Sarvar, R. (2021). Explaining the role of good governance on urban resilience (Case study: Amirieh neighborhood, District 2, Region 11 of Tehran). *Geographical Studies of Mountainous Regions*, 2(3), 141-157. [in Persian]
- Meerow, S., Joshua, P., Newell, A., & Melissa, S. (2016). Defining urban resilience: A review. *Landscape and Urban Planning*, 147(111), 38-49. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2015.11.011>
- Miri, G., Ebrahimi, A., & Fatemi, M. (2023). An analysis of good urban and regional governance on sustainable tourism income (Case study: Birjand). *Geography and Regional Futures Studies*, 1(1), 67-81. <https://doi.org/10.30466/grfs.2023.121359> [in Persian]
- Mohammad Abdou, A. (2021). Good governance and COVID-19: The digital bureaucracy to response the pandemic (Singapore as a model). *Public Administration Review*, 4(5), 1-10. <https://doi.org/10.1002/pa.2656>
- Mousavi, M. N., Ghalehtemouri, K. J., Alizadeh, I. S., Bahramijaf, S., & Shamsoddini, A. (2024). The impact of urban governance on enhancing resilience in informal settlements: A case study from Jafarabad, Kermanshah. *Journal of Urban Development and Management*, 3(2), 95-108. <https://doi.org/10.56578/judm030202>
- Nasiri Hendeh Khaleh, E., Jamshidzahi Shahbakhsh, O., & Mohagheghpour, S. Y. (2023). The effects of good urban governance in achieving resilience of informal settlements in Zanjan City, Iran. [Journal Name], 21(3), 619-636. [https://doi.org/10.4335/21.3.619-636\(2023\)](https://doi.org/10.4335/21.3.619-636(2023))
- Nazari, M., Etemadi, K., & Ghazi Mirsaid, S. M. (2024). Evaluating the urban management system of Semnan with a good urban governance approach. *Physical Development Planning*, 11(2), 89-112. <https://doi.org/10.30473/psp.2024.69352.2699> [in Persian]
- Rizadeh, A. (2017). *Futures studies of influential components in housing planning for low-income urban groups; Case study: Tabriz metropolis* [Master's thesis, University of Tabriz]. [in Persian]
- Rostaei, S., Ghorbani, R., & Bordbar, H. (2024). Futures studies of urban governance in the post-COVID era; Case study: Tabriz metropolis. *Economic Geography Research*, 4(14), 32-53. [in Persian]

- Sarvashan, G., Handiani, A., Zivyar, P., & Tavakolan, A. (2022). Investigating the impact of urban governance on urban resilience; Case study: Tehran. *Applied Research in Geographical Sciences*, 22(1), 413-437. <https://doi.org/10.52547/jgs.22.67.413> [in Persian]
- Seeliger, L., & Turok, I. (2019). Averting a downward spiral: Building resilience in informal urban settlements through adaptive governance. *Environment and Urbanization*, 26(1), 184-199. <https://doi.org/10.1177/0956247813516240>
- Shamsuddin, S. (2023). Urban in question: Recovering the concept of urban in urban resilience. *Sustainability*, 15(22), Article 15907. <https://doi.org/10.3390/su152215907>
- Singh, A. (2024). Urban resilience and sustainability: A comprehensive review. *Sustainable Solutions*, 1(2), Article 12. <https://doi.org/10.36676/j.sust.sol.v1.i2.12>
- Talebi, M. A., Rahnama, M. T., & Ghorbaninejad, R. (2020). Pathology of obstacles to the realization of good urban governance in intermediate cities; Case study: Neyshabur. *Sustainable City Journal*, 3(4), 43-57. <https://doi.org/10.22034/jsc.2021.251270.1326> [in Persian]
- Yue, J., Shannon, H., Baumann, A., Schwartz, L., & Bhatt, M. (2023). Slum upgrading programs and disaster resilience: A case study of an Indian 'smart city'. *Procedia Environmental Sciences*, 36(22), 154-161. <https://doi.org/10.1016/j.proenv.2016.09.026>
- Zhang, S. (2024). The interaction and balance between innovation and sustainable development. *Advances in Economics Management and Political Sciences*, 119(1), 1-7. <https://doi.org/10.54254/2754-1169/119/20242293>
- Ziari, K., & Kanoni, R. (2022). Structural analysis of social resilience within the framework of good urban governance with a futures studies approach (Case study: Ardabil). *Spatial Planning and Development*, 25(3), 59-91. [in Persian]
- Zista Consulting Engineers. (2015). *Detailed plan of Maragheh city* (Vol. 1). <https://zista.ir> [in Persian]